



شان و منزلت زن؛ الگوی سوم زن مسلمان

بدون اغراق، زن نیمرخ از شأن خالقیت و ربوبیت خالق عظیم و کریم در جهان هستی است. تنها از چنین دریچهای است که می توان به تبیین و تفسیر نقش بی بدیل زن در نقش همسری، مادری، اجتماعی و تربیت فرزندان پرداخت. مجموعه کنش های انسان در نظام توحیدی بر اساس چهار مؤلفه فطرت، طبیعت، عقلانیت و معنویت قابل تبیین و تشریح است. یکی از وجوه متمایز آیین عرشی رسول خدا ارائه الگودر همه زمینه های زیربنایی جامعه بر اساس مؤلفه های فوق است. فلسفه خواندن خطبه عقد زوجیت حضرت زهرا (س) با امیرالمؤمنین علی (ع) از سوی رسول مهر و محبت، رونمایی از منشور همسرگزینی و همسرداری در آیین محمدی و سیره نبوی و علوی است. منشوری که به لطف الهی به رغم همه مشکلات حادث شده از سوی معاندان در طول تاریخ هم چنان زنده و بالنده است و به کوری چشم بدخواهان، برای همیشه بر پیشانی تاریخ خواهد درخشید و ترسیمگر سبک زندگی مؤمنانه، مجاهدانه و ماندگار برای بشریت خواهد بود. بر اساس چنین بینشی است که زن و خانواده در منظومه فکری معمار بزرگ انقلاب و معظم له نیز از جایگاه ویژه ای برخوردار است و نسخه غرب و شرق درباره زنان را توطئه ای برای تزلزل و فروپاشی نظام خانواده و دست درازی به مطامع پلید و خبیث خود می دانند. انقلاب اسلامی در ذات و جوهر اصلی خود، می تواند نسخه ای از بعثت نبی مکرم اسلام باشد. برنامه اصلی انقلاب اسلامی آزاد کردن انسان از عبودیت قدرت های ستمکار و مستکبر و صیانت از عزت و کرامت ذاتی اوست. یکی از سرفصل های عمده و راهبردی انقلاب اسلامی، هویت بخشیدن به شأن و منزلت زن به عنوان محور و ستون اصلی نهاد خانواده و جامعه است. طنین چنین شعارهایی در جغرافیای کره خاکی، بداندیشان و کینه توزان غرب و شرق را بر آن داشت که برای مسخ و استحاله کردن برنامه هویت بخش انقلاب، برنامه ریزی کنند. آنان که ظهور انقلاب را خاری در چشم خود می دانند، به تشکیل اتاق های فکر برای مشکل تراشی و ایجاد شبهه در عرصه های مختلف و نشانه گرفتن شأن و منزلت زن به عنوان نقطه ثقل و کانون آرامش بخش خانواده مبادرت کردند. یکی از رسالت های عمده انقلاب اسلامی ایران، تبیین شأن و منزلت زن در نقش همسری و مقام مقدس مادری بر اساس منظومه فکری قرآن و سیره رسول خاتم بارعایت مقتضیات زمان و مکان است. شکستن طلسم خانه نشینی زن و مبارزه با اوهام و خرافات و برداشتن موانع رشد و تعالی او، از موهبت های ارزشمند انقلاب اسلامی در چهار دهه گذشته بوده است. واقعیت این است که جنجال آفرینی اردوگاه غرب و شرق در دفاع از حقوق زن، اقدام مضحکی است که سوغاتی جز بهره کشی جنسی و اقتصادی از او را به همراه نداشته است و ندارد. توصیه های رهبر معظم انقلاب در ارتباط با نقش آفرینی زنان، از نگاه تیزبین رهبر معظم له در گشودن همه موانع رشد و تعالی آنان نشان دارد. ایشان در فرازی از بیانات خود چنین می فرماید: باید ذهنمان را از حرف های کلیشه ای غربی ها درباره زنان خالی کنیم. افکار آنان مطلقاً نمی تواند مایه سعادت و هدایت جامعه بشری باشد. از نظر ایشان، مغز متحجر غربی ها که اسیر نفسانیات و شهوات زندگی مادی شده است، عاجز از درک درستی از چشمه زلال عاطفه، محبت و احساسات پاک و عقیف زنان است. صفا و صمیمیت اجتماعی در عشق مادری ریشه دارد. قبول کنیم که صداقت، فرزانی، جوانمردی، شجاعت و همه فضایل فردی و اجتماعی از مهر و محبت وصف ناپذیر مادر سرچشمه می گیرد. اولین تغذیه روحی را نیز به او هدیه می کند. با چنین نگاهی، زن در منظومه فکری انقلاب اسلامی رکن اصلی پیشرفت متوازن و پایدار و پرچم غفت و پاک جامعه محسوب می شود.

شهربانو

۲۳ شهریور
۵ اردیبهشت ۱۴۰۱
۲۳ رمضان ۱۴۴۴ شماره ۳۶۰

(۲)

حمیده وحیدی
روزنامه نگار

(آفاق)

رمضان هنوز عطر اقا قیا دارد

دیگر روی سرمان سایه بیندازد. یک نفر به تازگی کرونا را از سر گذرانده است و حرف گرگشایی و ذکر صلوات برای این و آن است. از تحلیل و نقد و بررسی چندی که کدام جای جهان چه اتفاقی افتاده و کدام گروه سیاسی چه کرده است خبری نیست، حرف های که صبح تا شب به گوشم آشناست و از محل کار تا فضای مجازی مدام با خودم حمل می کنم. حالم بی آنکه به چیزی فکر کنم خوش می شود. حرف هایشان از جس دل مردم است، از خودشان می جوشد و به ذاتشان برمی گردد. در جمع زنانه، چند نفر هستند که از گذشته مادرانگی را بدون طرح قبلی بر دوش گرفته اند. یکی مسئول سامان دهی نذریات است، یکی دیگ و پایه و قابلمه برای مراسم مختلف به همسایه ها قرض می دهد و دیگری حواسش هست مبدا کسی دستش خالی باشد. زن جوان همسایه نیامده در این محل، خودش را با شرایط وقف داده است. رنگ و لعاب جهیزیه اش از چیز دیگری خبر می دهد اما سادگی زنان محله او را هم وادار کرده است به انداختن سفره نان و پنیر مانند دیگر خانه ها بسند کند. امشب به واسطه میزبانی، با او بیشتر حرف زدم و رابطه مان از حد سر تکان دادن در وسط کوچه به لیخنه خودمانی و چند جمله درباره خانواده هایمان فراتر رفته است. سفره که جمع می شود، به سرعت برمی خیزم. مانند همیشه که همه زندگی ام در شتاب است، با همه خدا حافظی می کنم. زن ها فارغ از افطاری، کتاب های دعایشان را باز کرده اند. توی کوچه هوا بارانی است. امسال اقا قیا زودتر از هر سال آمده است. به سمت خانه می روم. بنای مسافر خانه ای که قبل از عید کلنگ خورد بود به سرعت در حال سایه انداختن روی خانه مان است. عمر یک خانه قدیمی دیگر هم تمام شد.

برای ما آدم هایی که حوالی حرم مطهر امام رضا (ع) و در شلوغی و ترافیک همیشگی زندگی می کنیم و گاهی دُز نق زدنمان بالا می رود که ای داد بیداد، باز شلوغی و تعداد زائران زیاد شد، یک چیزهایی خاص و ویژه است که از چشممان دور می ماند و جز با آمدن محرم و صفر و ماه رمضان یادآوری نمی شود، آن هم صفای خانه های کوتاهی است که بین ساخت و ساز هتل ها هنوز هویت خود را حفظ کرده اند و دل بزرگ آدم هایشان نور را از گلدسته های حرم می گیرند و در محله پخش می کنند. نزدیک افطار که کلید را توی در می چرخانم، صدای زنانه ای از پشت سر می خواندم: «همسایه، همسایه، تشریف بیاورید افطاری! مجلس خودمانی است.» برمی گردم و می بینم زن جوان همسایه که تازه به این محله آمده صدایم کرده است. لیخنه لب از این دعوت غیرمنتظره، به سمت آپارتمان نوسازی رخ می چرخانم که شب ها نور چراغ هایش توی حیاط خانه مان می افتد. جز سلام و احوالپرسی گاه به گاه که به یک سر چرخاندن باشد، تا امروز چیزی بینمان نبوده است. به دلیل شغل و کمبود زمان، کمتر در جمع های زنانه محله شرکت داشته ام اما زنان قدیمی هر وقت و هر جا گیرم انداخته اند دستم را گرفته و فشاری داده اند و با خنده و تشر مادر گونه گفته اند: «بین حواسمان بهت هست که این طرف و آن طرف کمتر می آیی و مدام سرکار هستی. یک کم به همسایه داری برس!»

سفره افطاری زن جوان همسایه به سادگی همان سوپ و نان و سبزی است. اضافه ترش حال و احوال از این و آن است. تازه می فهمم که دو خانه آن طرف تر دختر شش ساله یکی از اهالی دستش شکسته. همین طور یکی از همسایه ها خانه اش را فروخته است و قرار است به زودی یک آپارتمان بلندبالای

